



15 اگست 2016



داکتر سید عبدالله کاظم



توضیح مختصر در باره مقاله

"لویه جرگه نام نهاد و لویه جرگه واقعی"

هموطن گرامی جناب یار محمد تره کی طی مقاله فوق الذکر که همین امروز در این پورتال وزین به نشر رسیده، در باره "مقدمه و عرض مرام" که در آغاز بازنشر کتاب "لویه جرگه دارالسلطنه 1303" از این قلم نوشته شده تحت عنوان "نگاه اجمالی بر تاریخچه لویه جرگه ها و معرفی مختصر کتاب" مطالبی را بیان نموده و نیز یکی دو سؤالی را از اینجانب مطرح کرده اند که با کمال احترام و امتنان از لطف شان، ذیلاً چند موضوع را خدمت آن برادر گرامی به عرض میرسانم:

1 - جناب شان نوشته اند: «قسم عادت اکثر روشنفکران افغان که در بحث های خود طفره میروند و بجای اصل موضوع به مسایل ضمنی میپردازند، آقای کاظم... بجای اصل موضوع که مسئله لویه جرگه عهد امانیه و از جرگه های واقعی در تاریخ افغانستان بود، به بحث روی جرگه ها و مجالس بزرگ دیگر پرداخته است.»

در جواب عرض میشود: آنچه به حیث "مقدمه و عرض مرام" در آن نوشته توضیح کرده ام، در سه موضوع خلاصه شده: مختصری از تاریخچه لویه جرگه ها، نظر عمومی بر محتوای کتاب و نیز دلیل اینکه چرا به بازنشر آن بعد از 90 اقدام میگردد که هر یک آن با اصل موضوع ارتباط مستقیم دارد. بحث تاریخچه لویه جرگه ها برای این بوده تا ماهیت لویه جرگه 1303 را به مقایسه دیگر لویه جرگه ها روشن سازم و بار اول است که لویه جرگه ها در طول تاریخ از نقاط نظر مختلف به آن شکل مورد تصنیف قرار میگیرند.

2 - جناب شان نوشته اند: «محترم کاظم جرگه های 1981، 1985 و 1987 را همه جرگه های نام نهاد یاد نموده و تمام جرگه های باقی مانده را مفصل تشریح نموده اند.»

در جواب عرض میشود: با یک نگاه میتوان دید که هیچ یک از لویه جرگه ها به تفصیل تشریح نشده، بلکه با ذکر تاریخ تدویر، موضوع مورد بحث و نحوه تدویر آن فقط در چند جمله کوتاه که بعضاً از سه سطر بیشتر نبوده، اکتفا گردیده است. شرح هر یک از لویه جرگه ها و تحلیل و بررسی ماهیت آنها یک بحث جداگانه بوده که ایجاب نوشتن یک کتاب قطور را میکند.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

در مورد لویه جرگه هائیکه در دوره ببرک کارمل و داکتر نجیب در سالهای فوق الذکر در کابل دائر گردید، فقط مختصر به ذکر خصوصیات عمده آنها بسنده شده است: لویه جرگه 1981 شکلاً و از نظر تعداد اعضا شباهت به لویه جرگه داشت، اما از نظر رسمیت آنرا مسما به "کنگره مؤسس جبهه ملی پدر وطن" ساختند که در آن 940 نفر نمایندگان حزب دموکراتیک خلق، سازمانهای اجتماعی و اقوام و قبایل(!!) اشتراک داشتند. به این اساس استعمال مشخصه "نام نهاد" در آن صدق میکند. در لویه جرگه 1985 که هدف آن بیشتر تأکید بر گسترش دوستی با "همسایه بزرگ شمالی" بود، با آنکه گفته های ببرک کارمل در این لویه جرگه ثبت تاریخ است و آنرا نشانه وطنپرستی افغان ها اعلام کرد و از همان روز به بعد ملقب به "شاه شجاع ثانی" گردید، اما در نوشته خود به ارتباط این لویه جرگه کلمه "نام نهاد" را ذکر نکرده ام.

در مورد لویه جرگه 1987 داکتر نجیب و تصویب قانون اساسی جدید اینقدر نوشته ام که: «در آن تغییر نام حزب بنام وطن، تغییر رنگ بیرق، تأکید بر ارزش های دین مقدس اسلام، برنامه آشتی ملی و غیره یادآوری گردیده که این تحول به نظر مردم یک اقدام ظاهری و بیشتر یک بازی سیاسی بود»، زیرا چگونه امکان داشت مغز یک انسان که سالها در تحقق یک اندیشه ای کاملاً متفاوت در عمل و نظر خود را وقف کرده بود، دفعتاً تغییر 180 درجه دهد و بر افکار و اعمال گذشته خود به یکبارگی قلم بطلان بکشد و آیت و حدیث بگوید و داد از عدالت و مساوات بزند؟ آیا موصوف در این جهان باردیگر تولد شده بود؟ لذا مردم حق داشتند گفتار او را به نظر تدویر و ریا ببینند.

در این مورد لازم به تذکر است که در ماه نوامبر 1991 مقاله نوشتم تحت عنوان "دیپلماسی رژیم کابل - اختناق مزید قضیه افغانستان" که در شماره 21 - 22 مجله "آئینه افغانستان" (دسمبر - جنوری 1991 - 1992) به نشر رسید و در آن به استناد بیانیه مشهور داکتر نجیب در پارلمان به بررسی نقاط مختلف موضوع بطور انتقادی پرداخته ام که در صورت علاقمندی میتوان آنرا در "آرشیف آثار علمی" این پورتال، زیر مبحث "انتشارات بیرون مرزی" و "آنها تحت "کتگوری آئینه افغانستان" و به سلسله شماره ها در ادامه به شماره بیست و یکم و بیست و دوم، در صفحات 48 تا 53 مطالعه کرد.

3 - جناب شان نوشته اند: «اگر در سال 1985 لویه جرگه افغانستان تحت رهبری ببرک کارمل به دوستی افغانستان با شوروی صحه گذاشت، جرگه مشورتی سال 2013 قرار داد دوستی استراتژیک را با ایالات متحده امریکا تائید نمود.»

وقتی از "لویه جرگه مشورتی" نام برده میشود، آنوقت خودا به سؤال خود جواب میدهد. من از لویه جرگه "مشورتی" 2013 عمداً نام نبرده ام، زیرا لویه جرگه مذکور از نظر قانونی رسمیت نداشت، به این زعم که لویه جرگه در قانون اساسی تعریف شده و لذا لویه جرگه دارای شکل عنعنوی از اعتبار قانونی برخوردار نبود، درحالیکه لویه جرگه 1985 زمان ببرک گفته میشود که یک لویه جرگه معتبر بود.

4 - جناب شان نوشته اند: «هیچکس در مورد صحبت های خانمی در لویه جرگه مشورتی سال 2013 که بعد از جرگه بیرون انداخته شد، چیزی ننوشت.»

باید خاطر نشان سازم که اعتراضیه خانم ملالی جویا در لویه جرگه قانون اساسی مورخ 25 قوس 1382 (14 دسمبر 2003) بود، نه در لویه جرگه مشورتی. بهر حال اینجانب کتاب قطوری خود که در

کابل در شروع 2006 به تعداد 1000 نسخه تحت عنوان "زنان افغان زیر فشار عنعنه و تجدد" چاپ شد ، در صفحات 527 تا 529 تمام بیانات و گزارش مربوط به اعتراضیه خانم جویا را درج کرده ام

5 - جناب شان نوشته اند: «یک جرگه و یا انتخابات وقتی میتواند دموکراتیک باشد که نمایندگان مردم در آن اشتراک نمایند و ترجمان آرزوها و خواست های مردم باشند. اگر اعضای لویه جرگه ها به صورت دموکراتیک انتخاب می شدند و یا حداقل از مردم قریه و یا ولایت نمایندگی میکردند، پس ما میتوانستیم این جرگه ها را واقعی و یا [برعکس] نام نهاد بنامیم»

در مورد "دموکراتیک" بودن انتخابات و یا نمایندگان واقعی مردم باید با تأسف گفت که هنوز کلید دموکراتیک بدون بطور مطلق در این جهان یافت نشده است، هرچه است همه بطور نسبی است و نسبت آن نظر به ساختمان هرکشور از نظر اداره، سواد عمومی، احساس مکلفیت افراد در برابر اجرای قانون، موجودیت فساد، تأثیرات بیرونی و بسا عوامل دیگر فرق میکند. در کشور ما در طول تاریخ انتخابات و یا نمایندگی واقعی و به اصطلاح "دموکراتیک" همیشه نظر به دلایل فوق بسیار کم رنگ بوده و هنوز هم این وضع حکمفرما است. لذا نمیتوان از این درختی که هنوز برگ نکرده، انتظار میوه شیرین و خوش طعم و رنگ را داشت. برای رسیدن بیک مرحله نسبی بهتر تاحدی زمان بکار است. من هیچ وقت ادعا نکرده ام که همه لویه جرگه در کشور به اصطلاح "دموکراتیک" بوده، برعکس بر یک تعداد لویه جرگه های فرمایشی اشاره مختصر کرده ام. اما سه لویه جرگه عصر امانی، طوریکه شما نیز تذکر داده اید، بطور نسبی نه تنها در سطح کشور، بلکه در سطح منطقه و حتی در سطح بسا کشور های پیشرفته در آن وقت از جمله بهترین ها بوده است.

محترماً! امید وارم با این مختصر توانسته باشم به موضوعات مطروحه روشنی اندازم و امید میکنم فرصت مطالعه مقاله منتشره این کمترین را در آئینه افغانستان بیابید. با عرض ارادت

د پانیو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ